

بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی نتایج سیاسی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)

محمدتقی سبزه‌ای*

چکیده

موضوع مقاله حاضر تحلیل جامعه‌شناسانه پیامدهای سیاسی انقلاب اسلامی است که با روش مطالعه کتابخانه‌ای تهیه شده و مستند به حوادث و رویدادهای انقلاب، داده‌ها و آمارهای معتبر تجربی است. چارچوب نظری مقاله بر نظریه‌های صاحب‌نظران برجسته کلاسیک و معاصر انقلاب‌های اجتماعی استوار است. این مطالعه دستاوردهای انقلاب اسلامی را از بُعد سیاسی بر اساس شاخص‌های دولت‌سازی، مشارکت سیاسی، صدور انقلاب، خشونت، احزاب سیاسی و مطبوعات تحلیل می‌کند. بر اساس این مطالعه، نتایج سیاسی انقلاب اسلامی عبارتند از: تأسیس دولتی با شاخص‌های ایرانی اسلامی، افزایش مشارکت سیاسی، تکثر احزاب سیاسی، رشد مطبوعات، صدور انقلاب اسلامی، ایجاد مبانی مشروعیت سه‌گانه (فرهمندی، دین و قانون)، جنگ و هم‌گرایی جهانی.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، پیامدهای سیاسی، مشارکت سیاسی، جنگ، صدور انقلاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

moh_sabzehei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

*. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲

طرح مسئله

همه انقلاب‌ها دستاوردهایی دارند و هیچ انقلابی بی‌نتیجه نیست. اما به‌طور قطع، نمی‌توان گفت انقلاب‌های اجتماعی به همه آرمان‌هایشان دست می‌یابند. انقلاب‌ها ممکن است در دستیابی به مهم‌ترین هدف خود که آزادی است شکست بخورند یا دستخوش جنگ و خشونت شوند. بعضی از انقلاب‌ها پس از دوره کوتاهی آزادی و دموکراسی نسبی، به تدریج به دیکتاتوری منجر شده‌اند و آزادی‌های (اجتماعی) از قبل موجود را از مردم سلب کرده یا برای زندگی اقلیت‌های قومی و منتقدان مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

اما سؤال اساسی این است که چه عواملی در میزان موفقیت انقلاب‌های اجتماعی در دستیابی به اهدافشان مؤثرند؟ براساس مطالعات جامعه‌شناسان انقلاب می‌توان از مجموعه عواملی نام برد که بر نتایج انقلاب مؤثرند. در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

میزان، چگونگی و نحوه انتقال قدرت: به نظر چارلز تیلی^۱ و برینگتون مور^۲ بین میزان انتقال قدرت و تغییرات ساختاری در جامعه پسانقلابی رابطه وجود دارد. هر اندازه انتقال قدرت به انقلابیون کامل‌تر باشد، به عبارت دیگر خاستگاه طبقاتی انقلابیون از اعضای رژیم پیشین متفاوت‌تر باشد، امکان تغییرات ساختاری بیشتر است. اگر میزان ائتلاف انقلابی کم‌تر باشد، احتمال وقوع دگرگونی‌های انقلابی بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۶۷) همچنین، اگر مبارزه بر سر قدرت بین انقلابیون با هم یا برای تحکیم قدرت دولت انقلابی برای مبارزه با ضدانقلاب داخلی و خارجی طولانی شود، طرح‌های انقلابی مانند اجرای مواد قانون اساسی و اعطای آزادی‌های سیاسی به تأخیر می‌افتند، یا به‌طور کامل اجرا نمی‌شوند. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

بسیج توده‌ای: ژرار شالیان^۳، چارلز تیلی، اتو کریش هایمر^۴ استقرار رژیم انقلابی را به توان رهبران انقلابی در بسیج و سازمان‌دهی طبقات پایین جامعه در جهت خواسته‌هایشان وابسته می‌دانند. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۶۴ و ۴۶۷)

بازسازی یا انحلال نهادهای رژیم پیشین: بازسازی نهادهای رژیم پیشین همانند ارتش و دیوان‌سالاری اگر نسجیده و گسترده باشد، تا مدتی انرژی و توان دولت انقلابی را در امور اجرایی کاهش می‌دهد و بازسازی آنها سال‌ها طول می‌کشد.

میراث بجا مانده از رژیم پیشین: این میراث که شامل منابع اداری، سرمایه مادی و سرمایه انسانی و ... می‌شود در نتایج انقلاب تأثیر می‌گذارد. برای مثال، اگر رژیم پیشین در زمینه تربیت نیروی انسانی (از طریق گسترش دانشگاه‌ها) و تقویت بنیه اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده باشد، کار سازندگی دولت انقلابی آسان‌تر می‌شود. برعکس، اگر رژیم پیشین دارای دیوان‌سالاری فرسوده و فاسد و اقتصاد وابسته باشد، کار انقلابیون برای سازندگی مشکل می‌شود.

1. Charles Tilly.
2. Barington Moore.
3. Gerard Chaliand.
4. Otto Kirchheimer.

ایدئولوژی انقلابی: ایدئولوژی انقلابی مرام‌نامه تغییر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه انقلابی است. برای مثال، در انقلاب‌های کمونیستی براساس ایدئولوژی مساوات‌طلبانه برخی از اصلاحات اقتصادی از جمله لغو مالکیت خصوصی، ملی کردن اقتصاد و ... صورت پذیرفت. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۱) جان فورن^۱ و ویلیام سول^۲ اثر ایدئولوژی در پیامدهای انقلاب را مهم می‌دانند. جان فورن معتقد است ایدئولوژی نقشه ساخت جامعه پس از انقلاب است. (Foran, 1997:206) جک گلدستون مهم‌ترین نقش ایدئولوژی را دولت‌سازی پس از انقلاب می‌داند. (Goldstone, 1991: 406) ژرار شالیان ایدئولوژی را در کنار سنت و ملیت‌گرایی عامل مؤثری در پیامدهای انقلاب می‌داند. (Chaliand, 1997: 179) محدودیت‌های بین‌المللی شرایط نامساعدی را برای بازسازی جامعه از دولت‌های انقلابی ایجاد می‌کنند. اقدامات دولت‌های ضدانقلاب از طریق فشارهای بیرونی نظیر حمله نظامی، اعمال تحریم‌ها یا تقویت ضدانقلاب داخلی مانع از انجام بسیاری از تغییرات مورد نظر انقلابیون می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۸۵) به نظر اکارد زیمرمن^۳، در اکثر انقلاب‌ها محدودیت‌های انقلابی وجود داشته‌اند، اما بیش‌ترین مقاومت‌های بین‌المللی علیه انقلاب‌های کوبا، ایران و نیکاراگوئه صورت گرفته‌اند. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۸) سرانجام، سطح توسعه‌یافتگی اقتصاد کشور انقلابی در موفقیت برنامه‌ها و تلاش‌ها برای تغییر ساختارهای اجتماعی - اقتصادی مؤثرند. اقتصاد وابسته که شامل وابستگی به اقتصاد جهانی، فناوری و کمک‌های خارجی است، مانعی بزرگ در راه عملی کردن وعده‌های اقتصادی - اجتماعی انقلابیون، به‌ویژه ریشه‌کنی فقر و عدالت اجتماعی، می‌شود. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

روش‌شناسی

این مطالعه با روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر بررسی روندها، شواهد و رویدادهای تاریخی انقلاب اسلامی، آمارها و داده‌های مراکز معتبر است. دوره زمانی مورد بررسی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ است. منظور ما از پیامدهای سیاسی انقلاب در این مقاله، دگرگونی‌هایی است که پس از سرنگونی رژیم پهلوی در نهاد دولت و روابط با جامعه ایران و نظام بین‌الملل رخ داد که با شاخص‌های زیر ارزیابی شده‌اند: دولت‌سازی، مشارکت سیاسی، صدور انقلاب، تکثر احزاب سیاسی، رشد مطبوعات، مشروعیت و اقتدار، جنگ و همگرایی جهانی. قبل از بررسی و تحلیل دستاوردهای سیاسی انقلاب ایران، باید به دو نکته روش‌شناسی در این زمینه اشاره کرد. نخست، مدت زمانی است که کارنامه انقلاب ارزیابی می‌شود. از آنجاکه دستاوردهای انقلاب‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت تغییر می‌کنند، کار ارزیابی دشوار می‌شود. برای مثال، در کوتاه‌مدت بسیاری از انقلاب‌ها به بازشدن فضای سیاسی کمک می‌کنند، اما پس از مدتی آن را محدود می‌کنند. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

1. John Foran.
2. William Jr. Swell.
3. Ekkart Zimmermann.

درباره دستاوردهای بلندمدت انقلابها دو سؤال طرح می‌شود:

اول، مدت زمان لازم برای ارزیابی پیامدهای بلندمدت چقدر است؟ اکارت زیمرمن^۱ معتقد است بین ۲۵ تا ۵۰ سال برای بررسی کارنامه هر انقلابی لازم است. او برای بررسی پیامدهای انقلاب یک الگوی کلی پیشنهاد می‌دهد و چهار زمان را در نظر می‌گیرد. زمان اول (t1)، وضعیت پیش از انقلاب، زمان دوم (t2)، وضعیت به قدرت رسیدن انقلابیون، زمان سوم (t3)، استقرار نظام انقلابی و زمان چهارم (t4)، ارزیابی پیامدهای انقلاب است که دست‌کم ۲۵ سال پس از پیروزی انقلاب است. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۷۹)

دوم، آیا تحولاتی که در جامعه پس‌انقلابی رخ می‌دهند، جزو کارنامه انقلابند یا خیر؟ زیرا ممکن است شبیه این تحولات در کشورهایی که انقلاب را تجربه نکرده‌اند، رخ داده باشند. در جواب باید گفت هر تغییری در جامعه پس از انقلاب، خواه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، متأثر از نظام ارزشی جامعه و عملکرد نخبگان سیاسی - انقلابی صورت گرفته و لذا جزو کارنامه انقلاب است.

دومین مسئله‌ای که در بررسی نتایج انقلاب‌های اجتماعی باید توجه داشت این است که برخی از دستاوردهای انقلاب نظیر صدور انقلاب مطلق نیستند، بلکه نسبی و ارزشی‌اند و لذا مثبت یا منفی بودن آنها بستگی به این دارد که از منظر چه گروه‌هایی از جامعه انقلابی (تندروها، میانه‌روها و محافظه‌کارها)، ضدانقلاب داخلی و خارجی، تفسیر شوند؛ برای مثال، صدور انقلاب که از نظر انقلابیون یکی از دستاوردهای مثبت انقلاب است، از نگاه قدرت‌های خارجی یا کشورهای همسایه کشور انقلابی، عامل اختلال در نظم بین‌الملل و گسترش تروریسم در کشور همسایه است. (سبزه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

چارچوب نظری

بررسی پیامدهای انقلاب در جامعه‌شناسی انقلاب بحثی تقریباً جدید است، زیرا بیشترین توجه جامعه‌شناسان انقلاب معطوف به مطالعه علل انقلاب بوده است. اولین جامعه‌شناسی که به موضوع پیامدهای انقلاب توجه نشان می‌دهد کارل مارکس^۲ است. کرین برینتون^۳، هانا آرنه^۴، آلکسی دوتوکویل^۵ در بین صاحب‌نظران کلاسیک نیز کم‌وبیش به این موضوع پرداخته‌اند. در مطالعات جدیدتر برینگتون مور، تدا اسکاچپول^۶، ساموئل هانینگتون^۷ و استفن مارتین والت^۸ بیشتر از دیگران درباره پیامدهای سیاسی انقلاب بحث کرده‌اند. به نظر مارکس انقلاب عامل توسعه است و جامعه را از پلیدی‌ها پاک می‌کند. در اثر انقلاب کمونیستی

1. Ekkart Zimmermann.
2. Karl Marx.
3. Crane Brinton.
4. Hahna Ardent.
5. Alexis de Tocqueville.
6. Theda Skocpol.
7. Samuel Huntington.
8. Stephen Martin Walt.

جامعه طبقاتی از بین می‌رود و جامعه بی‌طبقه کمونیستی جانشین آن می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۵۴) مارکس پیامدهای انقلاب‌های بورژوازی اروپا را سرنگونی طبقه حاکم و جایگزینی شیوه تولید فئودالی به وسیله شیوه تولید سرمایه‌داری می‌داند. از جمله کسانی که معتقدند انقلاب‌ها به دیکتاتوری منجر می‌شوند مارکس و انگلس هستند. انگلس معتقد است انقلاب در شیوه دیکتاتورمآبانه ولی در نتیجه آزادی‌بخش است. اما به گفته حسین بشیریه واقعیت تاریخی انقلاب‌ها نشان می‌دهد آنها از حیث نتیجه هم دست‌کم در کوتاه‌مدت موجد دیکتاتوری‌اند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

کرین برینتون^۱ از جمله صاحب‌نظران جامعه‌شناسی انقلاب در اثر کلاسیک *کالبدشکافی چهار انقلاب* به بررسی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب‌های فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا می‌پردازد. به نظر او از بُعد سیاسی، در این انقلاب‌ها دولتی نیرومندتر و متمرکزتر تأسیس شدند، هرچند هدف همه آنها تحقق آزادی بود، اما نتوانستند به آزادی آرمانی‌شان دست یابند. (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۸۲)

تدا اسکاچپول (۱۳۷۶) در کتابش *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی* به بررسی عوامل مؤثر در پیامدهای انقلاب و پیامدهای انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین می‌پردازد. به نظر اسکاچپول ایدئولوژی رهبران انقلاب تعیین‌کننده نتایج انقلاب نیست و عملکرد رهبران انقلاب در شرایط جامعه پسانقلابی با عوامل متعددی موسوم به شرایط ساختاری محدود می‌شود. به نظر اسکاچپول ساختار اقتصاد، تضادهای داخلی، اقدامات انقلابیون در دولت‌سازی، ماهیت دولت جدید، ترکیب طبقات انقلابی و نحوه ورود آنها به مبارزه، جنگ داخلی یا خارجی و شرایط بین‌المللی در پیامدهای انقلاب اثر می‌گذارند. اسکاچپول، تأسیس نظام سیاسی جدید را مهم‌ترین دستاورد انقلاب‌های مورد بررسی‌اش می‌داند. او معتقد است دگرگونی در دولت مهم‌تر از سایر دگرگونی‌های اجتماعی است؛ زیرا دگرگونی در ساختار و کارکرد دولت، روابط دولت و رهبران سیاسی با مردم، شیوه‌های مدیریت نهادها و دیوان‌سالاری دولتی باعث تحکیم و انجام دگرگونی‌های اجتماعی دیگر می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۶۹)

برینگتون مور (۱۳۶۹) در ریشه‌های اجتماعی و دموکراسی شش انقلاب را در سه شکل بورژوازی، فاشیستی و دهقانی بررسی کرده است. به نظر مور پیامد بلندمدت همه اشکال انقلاب توسعه اقتصادی، صنعتی‌شدن یا نوسازی بوده است. انقلاب‌های بورژوازی فرانسه و انگلیس با دموکراسی غربی، انقلاب‌های فاشیستی ژاپن و آلمان با فاشیسم و انقلاب‌های دهقانی روسیه و چین با کمونیسم به توسعه دست یافتند. (مور، ۱۳۶۹: ۹) به نظر مور گرچه مسیر همه انقلاب‌های مورد بررسی‌اش به توسعه منجر شد، اما به آزادی نینجامید.

ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۵)^۲ بیشتر از صاحب‌نظران دیگر انقلاب‌های اجتماعی درباره پیامدهای انقلاب بحث کرده است. وضع بد اقتصادی، همگن‌سازی، محدود کردن آزادی‌های اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی از جمله پیامدهای مثبت و منفی انقلاب‌ها از نظر هانتینگتون هستند. به نظر هانتینگتون یکی از

1. Crane Brinton.
2. Samuel Huntington.

پیامدهای هر انقلابی از بین بردن تکثر و تنوع رژیم پیشین و ایجاد جامعه‌ای همگن، برابری خواه و مساوات طلب براساس ارزش‌های جدید انقلابی است. انقلاب با کسب آگاهی سیاسی برای گروه‌های نوپدید احساس هویت مشترک تازه‌ای ایجاد می‌کند و به مسئله هویت که در روند نوسازی حیاتی است، پاسخی گرچه پرهزینه اما جامع می‌دهد؛ به این معنی که اجتماعی سیاسی یا ملی متشکل از افراد برابر می‌آفریند و آن فرهنگ سیاسی را که در آن رعایا حکومت را متعلق به «دیگران» می‌دانستند، به فرهنگی تبدیل می‌کند که در آن شهروندان حکومت را از آن «ما» می‌دانند. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۴۴۹) یکی از پیامدهای فرایند همگن‌سازی انقلابی حذف یا محروم کردن نخبگان سیاسی، گروه یا طبقه اجتماعی طرفدار رژیم پیشین از نظام انقلابی است. در این راستا، رهبران انقلابی مهاجرت نخبگان و طرفداران رژیم پیشین را تشویق می‌کنند. در جامعه پیش از انقلاب، شمار ناراضیان زیاد است، ولی بیشترشان درآمد کافی برای مهاجرت از کشور ندارند. اما در جامعه پس از انقلاب، شمار این افراد اندک است ولی بیشترشان ثروتمندند و می‌توان آنها را با تصفیه یا مهاجرت، به آسانی از سر راه برداشت. (همان: ۴۵۰)

استفن والت^۱ در انقلاب و جنگ احتمال درگیر شدن دولت انقلابی در جنگ را بررسی می‌کند. به نظر والت دولت‌های انقلابی به چند دلیل مستعد ورود به منازعات بین‌المللی هستند: اول، به دلیل اینکه رژیم‌های انقلابی تجربه کمی در برقراری روابط دیپلماتیک با دیگر دولت‌ها دارند و در بیشتر موارد هیچ تجربه‌ای در این باره ندارند و به نیت سایر کشورها اطمینان ندارند و وارد جنگ می‌شوند. دوم، انقلاب براساس تجربه‌اش سوءظن‌ها را جدی می‌گیرد و با آنها با احتیاط و نگرانی برخورد می‌کند. از این رو، سوءظن‌های مائو درباره ایالات متحده تا اندازه‌ای بر دخالت گذشته غربی‌ها در چین استوار بود و نیروهای انقلابی در مکزیک، نیکاراگوئه و ایران تا اندازه زیادی به همین دلیل نگران احتمال دخالت آمریکا بودند. سوم، احتمال برخورد هنگامی بیشتر خواهد شد که نخبگان (یا بخشی از آنها) تهدید خارجی را به‌منظور بهبود موقعیت داخلی‌شان بزرگ‌نمایی کنند و به این وسیله بخواهند حمایت‌های ملی‌گرایانه را به نفع خود بسیج یا اقدامات خشن علیه مخالفان داخلی را توجیه کنند. چهارم، احساس اعتماد به نفس کاذبی در بین دولت‌های انقلابی و قدرت‌های خارجی به وجود می‌آید که باعث می‌شود هر دو با اشتباه در ارزیابی امکانات، موقعیت و توانایی‌های یکدیگر در فکر ضربه زدن و براندازی طرف مقابل باشند. به نظر والت دلایل ایجاد اعتماد به نفس کاذب در دولت‌های انقلابی عبارتند از: خوش‌بینی دولت انقلابی مبنی بر پیروزی قطعی در جنگ و ترس دولت انقلابی از اینکه اگر زود اقدام نکند، ضدانقلاب با همکاری ستون پنجم داخلی او را نابود می‌کند. ضدانقلاب‌ها نیز دلایل و انگیزه‌هایی نظیر ترس آنها از ایده‌های انقلابی و صدورشان به درون کشورشان و پیش‌داوری غلط از حکومت انقلابی مبنی بر غیرمردمی و ناکارآمد بودن آن برای جنگ با دولت انقلابی دارند. (والت، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

1. Stephen Martin walt.

نتایج سیاسی انقلاب ایران

با گذشت نزدیک به ۴ دهه از انقلاب اسلامی، شاید اکنون زمان خوبی برای بررسی کارنامه آن باشد. این مطالعه به نتایج سیاسی انقلاب ایران محدود می‌شود که براساس شاخص‌های زیر صورت می‌گیرد:

دولت‌سازی

در بُعد نهادی انقلاب ایران به سقوط نظام سلطنتی منجر شد که نوپاتریمونیال^۱، وابسته و تک‌حزبی بود و برای اولین بار حکومت جمهوری (اسلامی) را تأسیس کرد که مبتنی بر مشارکت مردم در قدرت است.

نظام حکومتی شاه سلطنتی بود که در آن جانشین پادشاه به صورت موروثی و مادام‌العمر انتخاب می‌شد، شاه از اختیارات گسترده‌ای برخوردار بود و سازوکارهای انتخاباتی و چرخش نخبگان در آن بسیار محدود بود. از دیگر ویژگی‌های بارز آن «نوپاتریمونیال» بودن است؛ رژیم بسته و شخص محور که به شیوه پلیسی و استبدادی اداره می‌شد. سازمان امنیت (ساواک) با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع سرکوب و شکنجه فعالیت‌های گروه‌ها، احزاب سیاسی، روشنفکران و مطبوعات آزاد را سرکوب می‌کرد. شاه قانون اساسی و اصل تفکیک قوا را نقض می‌کرد و تمام تصمیم‌های مهم از جمله انتصاب و برکناری نخست‌وزیر، وزرا و استانداران از سوی او صورت می‌گرفت. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۱۶۴) همچنین رژیم پهلوی به قدرت‌های خارجی وابسته بود و در راستای منافع آنها عمل می‌کرد. تصویب لایحه کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌هایشان)، انتخاب ژاندارمی منطقه از سوی آمریکا براساس دکترین دو ستونی نیکسون - کسینجر (ایران ستون نظامی و عربستان ستون مالی) از مصداق‌های این ادعا هستند. (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۴۱)

رژیم شاه تک‌حزبی بود. به استثنای دوران نخست‌وزیری مصدق که در آن اختیارات شاه به نخست‌وزیر انتخابی مجلس منتقل و مجلس از حالت تشریفاتی خارج شد؛ اصل تفکیک قوا و نظام پارلمانی به صورت نسبی تحقق پیدا کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ شاه به تدریج اصل تفکیک قوا را نقض و مجلس را تشریفاتی کرد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۶) در سال ۱۳۵۴ شاه حزب رستاخیر ملی را تأسیس و اعلام کرد کسانی که با سه اصل قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و انقلاب سفید پایبند نباشند خائن به مملکت‌اند و باید به زندان بروند یا ایرانی نیستند و باید گذرنامه بگیرند و کشور را ترک کنند. شاه در موارد متعددی حقوق بشر را نقض می‌کرد و از سوی عفو بین‌الملل و سایر نهادهای جامعه مدنی جهانی و در سال‌های پایانی عمرش، از سوی جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، محکوم شد. نظام شاهنشاهی هیچ سازوکار مناسبی برای مشارکت سیاسی مردم در قدرت نداشت. (گرین، ۱۳۸۵: ۳۴۲ - ۳۳۸)

اما پس از انقلاب، حکومت جمهوری اسلامی تأسیس شد که دارای ویژگی‌هایی است: جمهوری بودن، انتخابی بودن مقامات دولتی و مشارکت‌پذیری و تکثر سیاسی. بعد از سرنگونی رژیم پیشین، جمهوری

1. Newpatrimonial.

اسلامی بر پایه منابع مشروعیت سه‌گانه زیر استقرار پیدا کرد:

- **فره‌مندی:** فره‌مندی در مقام رهبری تعریف می‌شود. رهبر دارای اختیارات گسترده‌ای نزد قانون اساسی است و با دراختیارداشتن نهادهایی نظیر شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضاییه بر فرارز سایر قوای کشور قرار می‌گیرد و بر عملکرد سایر قوا نظارت و کنترل دارد.

- **مذهب:** مذهب شیعه در قانون اساسی منبع و مرجع اصلی قانون‌گذاری کشور است. براساس این، همه قوانین مدنی کشور از اسلام نشئت می‌گیرند و مسئولیت‌های حساس در امور قانون‌گذاری، نظیر تشخیص انطباق قوانین مدنی با احکام اسلامی، نظارت بر اجرای قوانین و مجازات عدول از آنها در نهادهای مهمی مانند «نهاد رهبری»، «شورای نگهبان قانون اساسی»، «مجلس خبرگان» و «قوه قضاییه» به عهده روحانیون است.

- **رأی مردم:** براساس رأی مردم نهادهای «ریاست جمهوری»، «مجلس» و «شوراها» شکل می‌گیرند. در جمهوری اسلامی گرچه برخی از اختیارات در فرد یا دستگاه خاصی متمرکز است، اما با نظام‌های یک‌سالار تفاوت‌هایی دارد و در چارچوب قانون اساسی آن به دلایل زیر دولتی مطلقه و تمامیت‌خواه ساخته نمی‌شود:

- در قانون اساسی رهبر به صورت مستقیم قدرت عزل رئیس‌جمهور یا انحلال مجلس را ندارد.

- براساس اصل ۱۱۱، مجلس خبرگان اختیارات نظارت بر عملکرد رهبر و عزل او را دارد. اصل مذکور می‌گوید: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد [...]».

- مجلس دارای اختیارات نسبتاً گسترده‌ای، به‌ویژه در زمینه اعتبار بخشیدن به قراردادهای بین‌المللی دولت ایران با سایر کشورها و گرفتن یا دادن وام، کمک‌های بلاعوض داخلی و خارجی از سوی دولت دارد. (موضوع اصول ۷۷ و ۸۰) لذا هر نوع تصمیم‌گیری فردی از سوی رهبر یا رئیس‌جمهور در امور مهم اجرایی بین‌المللی بدون اجازه مجلس امکان‌پذیر نیست.

- مجلس حق تحقیق و تفحص و اعلام گزارش در تمام امور کشور را دارد. (موضوع اصل ۷۶) مجلس می‌تواند عملکرد همه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و نهادهای رهبری را کنترل کند. براساس اصل ۹۰، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس مؤظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد [...]».

- رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و اختیار گزارش موارد نقض قانون را به مردم، رهبر و مجلس دارد.

با وجود اینها، جمهوری اسلامی با دموکراسی‌های لیبرال از نظر برخی شاخص‌ها تفاوت‌های محتوایی و عملی دارد:

- منشورهای همه دموکراسی‌ها غیرایدئولوژیک و مبنایی برای عمل «دولت‌های رفاه» اند که در آن دین

و دولت جداست. در قانون اساسی ایران، براساس اصل ۳، دولت دینی و هدفش، در درجه اول، رسیدگی و کمک به تعالی معنوی انسان‌ها و نه امور مادی است.

- درحالی که در حکومت‌های عرفی به پیشوایان مذهبی اجازه دخالت در امور سیاسی، حتی در سطح بسیار پایین داده نمی‌شود، براساس اصل ۵ قانون اساسی، در رأس جمهوری اسلامی پیشوای مذهبی؛ ولی فقیه، قرار دارد که بالاترین مرجع اقتدار سیاسی در کشور است.

افزایش میزان مشارکت سیاسی

یکی از پیامدهای سیاسی انقلاب اسلامی انتخابی شدن همه مقامات و به تبع آن افزایش مشارکت سیاسی مردم نسبت به رژیم پیشین است.

الف) افزایش مشارکت مردمی در انتخابات

در دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دامنه مشارکت سیاسی بسیار محدود بود. نتایج نظرسنجی ملی سال ۱۳۵۳ نشان می‌دهد میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس‌های شاه حدود ۳۰ درصد بوده است. با تحکیم رژیم اقتدارگرای پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احزاب سیاسی به حاشیه رانده شدند، به صورتی که در دهه ۵۰ فقط دو حزب فرمایشی شاه ساخته در عرصه سیاسی کشور حضور داشتند. در سال‌های بعد این دو حزب در حزب واحد رستاخیز که از سوی حکومت تأسیس و عضویت در آن اجباری شد، ادغام شدند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی میزان مشارکت مردم در انتخابات افزایش چشم‌گیری پیدا کرد، به صورتی که ۶۷/۴ درصد مردم در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۵۸ شرکت کردند. اگرچه میزان مشارکت مردم در انتخابات بعدی به تدریج کاهش یافت به صورتی که در ششمین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۲ به ۵۰/۶ درصد رسید، اما در دهه ۸۰ این میزان دوباره افزایش یافت. (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۵) در انتخابات ریاست جمهوری ۲ خرداد ۱۳۷۶ که به پیروزی محمد خاتمی انجامید و انتخابات مجلس ششم، میزان مشارکت مردم در انتخابات بیش از ۷۰ درصد بود. در اولین دوره شوراهای شهر مشارکت مردم در انتخابات ۶۴/۴ درصد و انتخاب مجدد خاتمی در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ میزان مشارکت بالای ۷۵ درصد بود. میزان مشارکت مردمی در انتخابات دومین دوره شوراهای شهر در مجموع، ۴۹/۱ درصد بود که در مقایسه با دور اول این انتخابات (۶۴/۴ درصد)، ۱۵ درصد افت مشارکت وجود داشت. (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۹) در انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی در ۱ اسفند ۱۳۸۲ از بین حدود ۴۶ میلیون نفر واجدین شرایط حدود ۲۳ میلیون نفر یا به عبارتی براساس آمار وزارت کشور، ۵۰/۰۵۷ درصد در انتخابات شرکت کردند. در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، میزان مشارکت مردم در دور اول و دوم حدود ۶۰ درصد بود که این میزان نسبت به دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری ۱۵ درصد کاهش یافت. (گرامی مقدم، ۱۳۸۷: ۷) اما در انتخابات‌های ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ میزان مشارکت مردم در انتخابات دوباره افزایش یافت و به ترتیب به ۸۴ درصد و ۷۲ درصد رسید.

با وجود نوسانات مشاهده شده در مشارکت مردم در انتخابات پس از انقلاب، چنان که از جدول شماره ۲۳ فهمیده می‌شود، میزان مشارکت مردم در انتخابات در کم‌ترین اندازه‌اش از زمان پهلوی بیشتر بوده است.

جدول (۲۳): میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری

انتخابات	سال	واجدین شرایط (میلیون نفر)	رای مأخوذه	درصد مشارکت
ریاست جمهوری	۱۳۵۸	۲۰/۹	۱۴/۱	۶۷/۴
مجلس شورا	۱۳۵۸	۲۰/۸	۱۰/۸	۵۲
ریاست جمهوری	۱۳۶۰	۲۲/۶	۱۴/۵	۶۴/۲
مجلس شورا	۱۳۶۳	۲۴/۱	۱۵/۶	۶۴
ریاست جمهوری	۱۳۶۴	۲۵/۹	۱۴/۲	۵۴/۷
مجلس شورا	۱۳۶۷	۲۷/۹	۱۶/۷	۵۹/۷
ریاست جمهوری	۱۳۶۸	۳۰/۱	۱۶/۴	۴۵/۵
مجلس شورا	۱۳۷۰	۳۲/۴	۱۸/۷	۵۷/۸
ریاست جمهوری	۱۳۷۲	۳۳/۱	۱۶/۷	۵۰/۶
مجلس شورا	۱۳۷۴	۳۴/۷	۲۴/۶	۷۱/۱
ریاست جمهوری	۱۳۷۶	۳۶/۴	۲۹/۱	۷۹/۹
مجلس شورا	۱۳۷۸	۳۸/۷	۲۶	۶۷
ریاست جمهوری	۱۳۸۰	۴۲/۱	۲۸/۱	۶۶/۷
مجلس شورا	۱۳۸۲	۴۶/۳	۲۳	۵۱
ریاست جمهوری	۱۳۸۴	۴۶/۷	۲۹/۴	۶۲/۸
مجلس شورا	۱۳۸۶	۴۳/۸	۲۴/۳	۵۵/۴
ریاست جمهوری	۱۳۸۸	۵۲/۹	۳۹/۳	۸۴/۸
مجلس شورا	۱۳۹۰	۴۹	۳۰/۹	۶۴
ریاست جمهوری	۱۳۹۲	۵۰/۵	۳۶/۹	۷۲/۷

منبع: سایت اینترنتی وزارت کشور: www.moi.ir و استخراج شده از: www.wikipedia.org.

ب) افزایش رقابت سیاسی در بین کاندیداها
پیش از انقلاب رقابت سیاسی در بین کاندیداها بسیار کم بود. برای مثال، در انتخابات مجلس بیست و چهارم، در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۰۳۴۹ نفر در کل کشور برای ورود به مجلس با هم رقابت کردند که به ازای هر یک میلیون نفر ۳/۶ نفر نامزد نمایندگی مجلس شدند. براساس جدول شماره ۲۴، در همه انتخابات‌های جمهوری اسلامی به استثنای انتخابات مجالس ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ (دوران جنگ) میزان رقابت برای نمایندگی مجلس در بین کاندیداها بیشتر از دوران پهلوی و در هر دوره رو به افزایش بوده است.

جدول (۲۴): رقابت سیاسی در انتخابات مجلس

دوره	سال	تعداد کاندیداها	درصد تأیید صلاحیت‌شدگان	تعداد رد صلاحیت‌شدگان	درصد رد صلاحیت‌شدگان	تعداد نامزدها به یک میلیون نفر جمعیت
زمان پهلوی	۱۳۵۴	۱۳۴۹	نامشخص	نامشخص	نامشخص	۳/۶
اول	۱۳۵۸	۳۶۹۴	۸۸	۴۴۷	۱۲	۹
دوم	۱۳۶۳	۱۵۹۲	۸۳/۳	۲۶۶	۱۶/۷	۲/۸
سوم	۱۳۶۷	۱۹۹۹	۸۳/۴	۳۳۳	۱۶/۶	۳/۳
چهارم	۱۳۷۱	۳۲۳۳	۷۴/۵	۸۲۷	۲۵/۵	۶/۵
پنجم	۱۳۷۴	۵۳۶۶	۶۵/۴	۱۸۵۸	۳۴/۶	۵/۵
ششم	۱۳۷۸	۶۸۵۳	۹۱/۷	۵۷۱	۸/۳	۹/۸
هفتم	۱۳۸۲	۸۱۷۲	۷۳/۳	۲۱۸۵	۲۶/۷	۸/۹

منبع: سایت اینترنتی وزارت کشور: www.moi.ir

شکل‌گیری احزاب سیاسی

شاه در اسفند ۱۳۵۳ همه احزاب کشور را منحل و حزب رستاخیز را تنها حزب رسمی کشور اعلام کرد و در تلویزیون گفت: «هر کسی نمی‌خواهد عضو حزب رستاخیز شود پاسپورتش را بگیرد و برود.» پس ۴۰ سال از آن تاریخ براساس لیست ارائه شده از سوی اداره کل سیاسی وزارت کشور به نام «مشخصات تشکل‌های سیاسی» ۲۴۰ حزب و تشکل سیاسی در سال ۱۳۹۳ در داخل کشور مجوز فعالیت دارند (www.moi.ir) و چندین حزب و گروه سیاسی در خارج از کشور فعالند که خارج از قدرت سیاسی هستند؛ شامل حزب جمهوری‌خواهان ایران در آلمان، سلطنت‌طلبان، ملی‌گراها شامل جبهه ملی ایران، کمونیست‌ها؛ شامل بازمانده‌های سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، تندروها و گروه‌های مسلح شامل سازمان مجاهدین خلق ایران (منافین) و حزب دموکرات کردستان. (ر.ک: ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۷)

اما احزاب و گروه‌های سیاسی که در کشور ماندند نسبت به رابطه‌شان با جمهوری اسلامی به دو جناح اصلی تقسیم شدند: احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت و احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت. الف) احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت شامل حزب ملت ایران (به رهبری داریوش فروهر)، نهضت آزادی ایران، جنبش مسلمانان مبارز (به رهبری حبیب‌الله پیمان) و جنبش آزادی‌بخش ملی ایران «جاما» (به رهبری کاظم سامی) و گروه ملی مذهبی‌ها هستند. جناح سیاسی لیبرال شامل نهضت آزادی است که در تحولات سال‌های اول پس از انقلاب نقش مهمی بازی کرد، اما به تدریج از مشارکت در قدرت کنار رفت. (ر.ک: ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۷)

ب) احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت با توجه به تغییر و تحولات شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی

کم‌وبیش در قدرت مشارکت داشته‌اند. این جناح احزاب و گروه‌های سیاسی‌ای را دربر می‌گیرد که از سوی مسئولین و کارگزاران دولت تأسیس شده‌اند و در شش جبهه سیاسی تقسیم می‌شوند:

- **جبهه اصول‌گرایی راست سنتی:** شامل، جامعه روحانیت مبارز، تشکل‌های اسلامی همسو (جمعیت مؤتلفه، جامعه وعاظ، جامعه اصناف و بازار، جامعه زینب، جامعه اسلامی دانشجویان و دانشگاهیان و جامعه اسلامی مهندسین، جامعه اسلامی فرهنگیان) جبهه پیروان خط امام و رهبری، اتحادیه دانشجویان حزب‌الله گروه «رسا» و گروه انصار حزب‌الله، جمعیت ایثارگران، جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی نمایندگان ادوار، جامعه اسلامی کارگران.

- **جبهه اصول‌گرایی راست مدرن یا اصول‌گرایان تحول‌گرا:** شامل جمعیت آبادگران جوان، حزب اصول‌گرایان نواندیش و جبهه پایداری.

- **جبهه میانه‌رو:** شامل حزب کارگزاران سازندگی، حزب اعتدال و توسعه.

- **جبهه اصلاح‌طلب چپ سنتی:** شامل جامعه روحانیون مبارز، ائتلاف گروه‌های خط امام. (انجمن اسلامی دانشجویان، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی دانشگاهیان و انجمن اسلامی مهندسین، کارکنان و مدرسان)

- **جبهه اصلاح‌طلب چپ مدرن:** شامل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، حزب مشارکت ایران اسلامی و حزب همبستگی ایران اسلامی، حزب مردم‌سالاری و حزب اعتماد ملی. (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸)

اگرچه تعداد احزاب در ایران زیاد است، اما آنها هنوز نهادینه نشده‌اند و از مشکلاتی رنج می‌برند. از جمله آنها بیشتر احزابی از بالا هستند و شکل‌گیری ارتباط کمی با شکاف‌های اجتماعی موجود در جامعه (شکاف نسلی، شکاف روستا و شهر، شکاف دینی، شکاف طبقاتی، شکاف سنت و مدرنتیبه، شکاف جنسیتی و ...) دارد. این عامل یکی از دلایل مهم کم‌کارآمدی احزاب و عدم موفقیت در جذب مناسب افراد و گروه‌های اجتماعی به مشارکت فعال در امور سیاسی است. وجود امنیت شکننده برای فعالیت سیاسی، تهدید از سوی گروه‌های فشار، فعالیت محدود به انتخابات، محدودیت اعضا، عدم عضوگیری مردمی، فقدان سرمایه مالی، عدم پشتیبانی از سوی دولت و نداشتن برنامه شفاف در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از جمله مشکلات احزاب سیاسی ایران امروز است.

رشد رسانه‌ها

پس از انقلاب با پایان جنگ مطبوعات شروع به رشد کردند که با انتشار روزنامه همشهری در سال ۱۳۷۱ آغاز شد و تعداد مطبوعات و محتوای کیفی آنها از سالی به سال دیگر افزایش پیدا کرد. (افخمی، ۱۳۸۳: ۶۳۸) تعداد مطبوعات کشور که روزنامه، مجلات، هفته‌نامه و ... را شامل می‌شود، از ۲۰۳ نشریه در سال ۱۳۵۰ به حدود ۳۰۳۱۳ نشریه در سال ۱۳۸۷ و تعداد شمارگان روزنامه‌های کشور از ۴۰۰۰۰۰۰ شماره در سال

۱۳۴۹ به ۱۶۵۰۰۰۰ شماره در سال ۱۳۷۵ و ۳۳۰۰۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۷۹ افزایش یافت که ۸ برابر رشد را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۴۹ برای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۴ شماره روزنامه وجود داشت که در سال ۱۳۷۵ به ۲۶ شماره و در سال ۱۳۸۰ به ۵۳ نسخه افزایش یافت. (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

در کنار این رشد کمی بسته به شرایط سیاسی، مطبوعات با محدودیت‌هایی نیز روبرو شده‌اند. از آنجاکه بخشی از مطبوعات ایران شامل روزنامه‌ها و مجلات سیاسی یا به صورت غیرمستقیم ارگان مطبوعاتی حزب یا گروه سیاسی خاصی‌اند و اهداف سیاسی خاصی را دنبال می‌کنند، در جایگاه اپوزیسیون قرار می‌گیرند و رویکردشان به دولت‌ها و عملکرد آنها انتقادی است. از این رو حاکمیت و در مواردی دولت فعالیت مطبوعات را محدود می‌کنند. برای مثال از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، در دولت‌های هشتم و نهم، تعدادی از نشریات توقیف شدند که برخی از آنها مانند «کیان»، «فرهنگ توسعه»، «ایران فردا» و «جامعه سالم» تفکرات لیبرالی داشتند. روزنامه‌های «جامعه»، «دوم خرداد»، «سلام»، «جهان اسلام»، «شرق» و «روزگار» جزو روزنامه‌های اصلاح‌طلب بودند. در سال ۱۳۸۶، ۲۸ نشریه ملی و محلی مانند «پیام مردم»، «صدای ارومیه»، «ندای آذربادگان»، «مدرسه» و ... توقیف و لغو مجوز شدند. با روی کار آمدن دولت روحانی، بسیاری از نشریات توقیف شده در زمان دولت‌های احمدی‌نژاد از جمله «ایران فردا»، «زنان امروز» و ... شروع به کار کردند و نشریات و روزنامه‌های جدیدی نظیر «وطن امروز»، «جوان»، «قانون» و ... به عرصه مطبوعات وارد شدند.

در حال حاضر، احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی مختلفی دارای روزنامه، مجله، هفته‌نامه، ماهنامه، دوماهنامه و غیره هستند. گرچه کم‌تر نشریه‌ای در کشور رسماً ارگان مطبوعاتی حزب یا گروه سیاسی است، ولی بسیاری از نشریات کشور اهداف سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی مشخصی را دنبال می‌کنند و از دو طریق سازمانی و غیرسازمانی به احزاب موجود وابسته‌اند. مطبوعاتی که از طریق سازمانی به حزب وابسته‌اند، دارای عناصری مانند مالک، روزنامه‌نگار، مدیرمسئول و کارکنانی‌اند که با حزب موردنظر همگونی دارند. در این حالت، حزب موردنظر به صورت مستقیم در تأسیس روزنامه سرمایه‌گذاری می‌کند یا اداره آن را به یک مؤسسه خصوصی واگذار می‌کند که به صورت غیرمستقیم در کنترل حزب است. برای مثال، روزنامه «همبستگی» ارگان مطبوعاتی «حزب همبستگی»، روزنامه «اعتماد ملی» ارکان مطبوعاتی «حزب اعتماد ملی» و روزنامه «کارگزاران» سخنگوی «حزب کارگزاران» هستند. تعداد دیگری از روزنامه‌ها و نشریات کشور به شیوه غیرسازمانی به احزاب وابسته‌اند. برای مثال، گرچه روزنامه‌هایی مانند «رسالت» و «جمهوری اسلامی» جزو روزنامه‌های اصول‌گرا هستند، اما به هیچ‌یک از احزاب سیاسی اصول‌گرا از نظر مالی یا تشکیلاتی وابسته نیستند. علاوه بر مطبوعات سیاسی، تعداد زیادی مطبوعات غیرسیاسی (علمی، تخصصی، ورزشی، صنفی، ادبی، هنری) وجود دارند که از سوی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و دولتی غیرسیاسی مانند دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی منتشر می‌شوند. (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

صدور انقلاب

مارک. ان. کاتز^۱ در مقاله «انقلاب‌ها و موج‌های انقلابی» انقلاب ایران را انقلاب محوری اسلام‌خواهی می‌داند که باعث ایجاد موج‌های انقلابی اسلام‌خواهانه در سایر کشورها شد.^۲ (کاتز، ۱۳۸۵: ۲۲۳) مصطفی ملکوتیان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را الگو و محرکی برای ایجاد بسیاری از حرکت‌های رهایی‌بخش مردمی در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه در جهان اسلام می‌داند. نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری را می‌توان در پیدایش یا فعال شدن گروه‌های بی‌شمار اسلام‌گرا نظیر اخوان المسلمین و گروه‌های مرتبط با آن در کشورهای عربی، گروه‌های جهادی و اسلام‌گرا در شمال آفریقا مانند التکفیر و الهجره و الجهاد در مصر، جبهه نجات اسلامی الجزایر، جبهه النهضه مراکش، حزب الدعوه اسلامی و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب‌الله لبنان، سازمان جهاد اسلامی و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در فلسطین، سازمان‌های متعدد اسلامی در حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب و جبهه اسلامی آزادی‌بخش بحرین، احزاب و سازمان‌های اسلام‌گرا در آسیای مرکزی و قفقاز؛ از جمله در کشورهای (چچن، بالکاریای شمالی، داغستان و غیره)، ازبکستان، تاجیکستان و آذربایجان، احزاب اسلامی در بالکان (بوسنی و هرزگوین)، گروه‌های اسلام‌گرا در آسیای جنوبی (پاکستان، کشمیر، افغانستان)، احزاب و سازمان‌های اسلامی در آسیای شرقی و جنوب شرقی و غیره دید. (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

خشونت و جنگ

اغلب نظریه‌پردازان انقلاب خشونت را جزو اصلی و لاینفک وضعیت انقلابی می‌دانند (کوهن، ۱۳۸۴: ۵۷) که به دلایل مختلف در دوره‌هایی از انقلاب، هنگام فروپاشی ائتلاف انقلابی، در عصر ترور یا وارد شدن کشور انقلابی در جنگ اتفاق می‌افتد. در ایران مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مسلح در منطقه کردستان اوضاع را آشفته دیدند و با اشغال برخی از شهرهای این استان از جمله شهر پاوه و سنندج و

1. Mark N. Katz.

۲. کاتز موج‌های انقلابی را مجموعه‌ای از انقلاب‌ها می‌داند که اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند. انقلابی خاص می‌تواند متعلق به بیش از یک موج انقلابی باشد. هر انقلاب علاوه بر تعلق به یک موج «موافق» خاص، می‌تواند به بیش از یک یا چند موج «مخالف» تعلق داشته باشد. موج انقلابی موافق شامل انقلاب‌هایی است که شکل خاصی از حکومت یا نظام اجتماعی - اقتصادی نظیر دموکراسی، مارکسیسم - لنینیسم، ناسیونالیسم عرب یا اسلام‌گرایی را تأسیس می‌کنند یا با جدیت برای برقراری آن تلاش می‌کنند. موج انقلابی مخالف از انقلاب‌هایی تشکیل می‌شود که شکل خاصی از حکومت یا نظام اجتماعی - اقتصادی را بر می‌اندازد. امواج انقلابی مخالف شامل امواج ضد سلطنتی، ضد مستعمراتی، ضد غربی، ضد دیکتاتوری و بعضی از امواج دیگر است. (کاتز، ۱۳۸۵: ۲۲۲) به نظر کاتز موج انقلابی دارای انقلاب‌محوری است که تصویری از تغییر نظام بین‌المللی موجود را با وقوع انقلاب‌های مشابه دنبال می‌کند. براساس این، اتحاد جماهیر شوروی، مصر و ایران به ترتیب انقلاب محوری موج‌های انقلابی مارکسیست - لنینیستی، ناسیونالیسم عرب و اسلام‌خواهی هستند.

تخلیه پادگان‌های نظامی، حکومت خودمختاری کردستان را اعلام کردند که این امر باعث جنگی داخلی و ناامنی چندین ساله در این منطقه شد. تجاوز عراق به ایران که منجر به اشغال ایران در شهریور ۵۹ شد و ۸ سال به طول کشید نیز پیامد انقلاب ایران است، زیرا ترس کشور همسایه از صدور انقلاب به آن کشور، شعارهای ایدئولوژیک انقلاب ایران و طمع عراق بر تصرف بخشی از خاک کشور به دلیل برداشته‌های غلط دشمن مبنی بر از بین رفتن قدرت دفاعی ایران از انگیزه‌های شروع آن بودند. نیکی کدی^۱ تعداد کشته شدگان و اعدامی‌های حوادث پس از انقلاب ایران، شامل جنگ داخلی در کردستان و اعلام جنگ مسلحانه مجاهدین خلق (منافقین) با جمهوری اسلامی را ۱۱۰۰۰ نفر برآورد کرده است. (کدی، ۱۳۸۳: ۱۵۱) تعداد قربانیان جنگ ۸ ساله ایران و عراق نیز به بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد. این درحالی است که ایران هنوز هم در جبهه‌های عراق، سوریه و لبنان به صورت غیرمستقیم با داعش و رژیم صهیونیستی می‌جنگد و کشته می‌دهد و تعدادی از دانشمندان هسته‌ای‌اش از سوی سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی ترور شده‌اند.

همگرایی با نظام جهانی

جهانی شدن در دو دهه گذشته به مثابه شرایط محدودکننده انقلاب ایران عمل کرده است و باعث هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی با نظام بین‌الملل شده است. جان مایر^۲ و همکارانش در کتاب فرهنگ جهانی (مایر، ۲۰۰۵) به جامعه جهانی به مثابه یک کل نگاه می‌کنند که در آن سازمان‌ها، دستگاه‌ها، نهادها، و به طور کلی، ساختارهای رسمی همه دولت - ملت‌ها استاندارد و یک‌شکل می‌شوند و براساس دست‌والعمل‌ها و قوانین مشابه عمل می‌کنند. آنها معتقدند در آینده وظایف دولت - ملت‌ها به آموزش، علم، رفاه، سلامتی، بهداشت، کنترل جمعیت، رعایت حقوق شهروندی، حقوق بشر و حفظ محیط زیست محدود می‌شود و مورد پذیرش جهانی قرار می‌گیرند. (مایر، ۲۰۰۵: ۱۰۷) بر این اساس، ایران به‌رغم مقابله با ارزش‌های فرهنگ غربی و امریکایی، جنگ و تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در چند دهه گذشته از جامعه جهانی منزوی نشده است. شواهد تجربی نشان می‌دهند که بسیاری از برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها در راستای همگرایی جهانی صورت گرفته است.

جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته در زمینه‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر، تروریسم بین‌المللی، سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حقوق بشر (حقوق کودکان، زنان، اقلیت‌ها و ...)، خصوصی‌سازی ورزشگاه‌ها و ... در جهت همگرایی جهانی گام برداشته است. دولت ایران در زمینه رعایت حقوق بشر با مجامع رسمی و غیررسمی جهانی مانند اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد همکاری کرده و به توافقاتی نظیر تعلیق موقت حکم سنگسار، رفع حکم اعدام برای کودکان زیر سن بلوغ، رعایت حقوق زندانیان سیاسی و ... دست یافته و

1. Nikki R. Keddie.

2. John Meyer.

بسیاری از محدودیت‌های حقوقی زنان برای تحصیل و اشتغال را رفع کرده است. ایران در رابطه با هم‌شکل‌سازی نهادهای دولتی و غیردولتی نیز اقداماتی انجام داده است، از جمله تأسیس سازمان حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۳۷۴ برای پاسخ‌گویی به انتقادات مجامع بین‌المللی از وضعیت حقوق بشر در ایران تأسیس شد و اکنون به‌عنوان نهادی نیمه‌دولتی فعالیت می‌کند. تا سال ۱۳۷۰ در ایران از سازمان‌های زنان خبری نبود. پس از اینکه رفت و آمدهای مکرر گروه‌های مدافع حقوق بشر به ایران افزایش یافت و در داخل زنان روشن‌فکر و مستقل از ضرورت تأسیس سازمان‌های زنان سخن گفتند، دولت هاشمی رفسنجانی چند سازمان نیمه‌دولتی زنان، از جمله دفتر امور زنان وابسته به ریاست‌جمهوری را تأسیس کرد. مدت کوتاهی پیش از کنفرانس جهانی زنان در پکن، دولت وقت دفاتر امور زنان در وزارت‌خانه‌ها را تأسیس و چند نفر از اعضایشان را به کنفرانس پکن فرستاد. در این دوره، ورزش بانوان فعال شد و از آن زمان تاکنون زنان اجازه دارند در بسیاری از رشته‌های ورزشی از جمله قایق‌سواری، تیراندازی، فوتبال یا حتی در مسابقات منطقه‌ای و بین‌المللی شرکت کنند. قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای ارتباط با نهادهای خارجی و به‌منظور گفت‌وگو و رفع ابهام حقوقی و همکاری در زمینه‌های حقوق بشری با نهادهای بین‌المللی بخشی به نام امور بین‌المللی تأسیس کرد. دو نهاد جامعه جهانی محور، سازمان محیط زیست و مرکز گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در زمان دولت خاتمی (۸۴ - ۱۳۷۶) تأسیس شدند. در دولت‌های مختلف در راستای آزادسازی اقتصاد و کوچک‌کردن دولت بسیاری از وظایف دولت در زمینه پست، بانک‌داری و صنایع کوچک به بخش خصوصی واگذار شدند و اقداماتی در زمینه تعدیل اقتصادی و رفع یارانه‌های دولتی برداشته شد. از جمله مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی در این زمینه اجرای هدفمند شدن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ است. خصوصی‌سازی اقتصاد یکی از برنامه‌های اصلی سند چشم‌انداز بیست ساله کشور براساس سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی است که باعث ادامه خصوصی‌سازی در سال‌های آینده می‌شود. دلایل مهم دیگر همگرایی ایران با جهان، تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) و تلاش برای حل مشکل برنامه هسته‌ای با کشورهای موسوم به پنج به اضافه یک در دولت یازدهم است.

نتیجه

- انقلاب ایران همانند سایر انقلاب‌های اجتماعی دارای دستاوردهایی سیاسی است.
- مهم‌ترین دستاورد سیاسی انقلاب، تأسیس نظام جمهوری اسلامی است که مشروعیتش بر اصول سه‌گانه دین اسلام، فره‌مندی و قانون است.
- در نتیجه انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی مردم در قدرت افزایش یافت، احزاب سیاسی شکل گرفتند و مطبوعات توسعه و تنوع یافتند. اما برای مشارکت مردم در سیاست، فعالیت احزاب سیاسی و مطبوعات هنوز محدودیت‌هایی وجود دارد.

- در سال‌های پس از انقلاب تعداد و میزان فعالیت مطبوعات نسبت به رژیم پیشین افزایش زیادی یافت، اما هنوز هم درباره فعالیت مطبوعات محدودیت‌هایی وجود دارد.

- کشور با پیروزی انقلاب اسلامی درگیر چند جنگ داخلی و خارجی شد، نظیر جنگ داخلی کردستان، جنگ ایران و عراق و جنگ‌های کنونی نیابتی در لبنان، سوریه، عراق و یمن. با این وجود ایران یکی از باثبات‌ترین و امن‌ترین کشورهای منطقه است.

- انقلاب اسلامی اکنون انقلاب محوری بسیاری از جنبش‌های اسلامی در آسیا، غرب آسیا و آفریقا است.

- گرچه انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه، به‌ویژه در زمان جنگ عراق علیه ایران، واگرایی‌هایی با نظام جهانی داشته است، اما از پایان جنگ ایران و عراق تلاش می‌کند سیاست‌ها و تصمیماتش را با نظام جهانی هماهنگ کند.

منابع و مأخذ

۱. افخمی، حسین، ۱۳۸۳، «احزاب سیاسی، مطبوعات حزبی و روزنامه‌های مستقل»، *مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات آگاه.
۲. برینتون، کرین، ۱۳۶۶، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو، چ ۴.
۳. بشیریه، حسین، ۱۳۸۰، *موانع توسعه سیاسی ایران*، تهران، گام نو، چ ۲.
۴. _____، ۱۳۸۴، *آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)*، تهران، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، چ ۵.
۵. _____، ۱۳۸۴، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۶.
۶. پناهی، محمدحسین، ۱۳۹۱، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایندها و پیامدها*، تهران، سمت.
۷. جلایی‌پور، حمیدرضا، ۱۳۸۱، «قانون اساسی، سه گفتمان ناسازگار»، *آفتاب*، س ۲، ش ۱۴، ص ۱۵.
۸. سبزه‌ای، محمدتقی، ۱۳۹۲، *جامعه‌شناسی انقلاب و انقلاب‌های اجتماعی*، کرمانشاه، انتشارات دانشگاه رازی.
۹. ظریفی‌نیا، حمیدرضا، ۱۳۷۸، *کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران: ۱۳۷۸ - ۱۳۵۱*، تهران، انتشارات آزادی اندیشه، چ ۳.
۱۰. کارتز، مک، ۱۳۸۵، «انتشار امواج انقلابی» در: *گلدستون، جک، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
۱۱. کدی نیکی، آر، ۱۳۸۳، *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، انتشارات قفقوس.
۱۲. کوهن، آلوین استانفورد، ۱۳۸۴، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر قومس، چ ۷.

۱۳. گرامی مقدم، اسماعیل، ۱۳۷۸، «انتخابات پرمسئله»، *روزنامه اعتماد*، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۷، س ۶، شماره ۱۶۶۸.
۱۴. گرین، توماس. اچ، ۱۳۷۸، *جنبش‌های انقلابی معاصر؛ در جستجوی نظریه انقلاب*، ترجمه رشید شایگان‌پور، اهواز، نشر رسش.
۱۵. گرین، جerald، ۱۳۸۵، «بسیج مخالفان در انقلاب ایران»، در: *گلدستون جک*، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
۱۶. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۱، *انقلاب‌های متعارض معاصر*، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۷. _____، ۱۳۸۹، «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، در: *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۸۷-۳۰۵.
۱۸. _____، ۱۳۹۱، «نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در ۳۴ سال گذشته»، در: *کیهان فرهنگی*، ش ۳۱۵-۳۱۳، ص ۴۳-۴۰.
۱۹. مور، برینگتن، ۱۳۶۹، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۵، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
۲۱. والت، استفن، ۱۳۸۵، «انقلاب و جنگ» در: *گلدستون جک*، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
22. Chaliand, G., 1997, *revolution in the Thrid world*, New York, Penguin books.
23. Foran, John, 1997 "discourses and social forces: the role of culture and cultural studies in understanding revolutions" in: j. Foran (Ed), *theorizing revolutions*, Lonndon and New York, Routledge, pp. 203-226.
24. Goldstone, Jack A., 1991, "ideology, cultural Frameworks and the process of revolution", in: *theory and society*, 20: 4.
25. Meyer, John w., 2005, *Weltkultur wie die westlichen Prinzipien die Welt durchdringen*, Edition Zweite Moderne, Herausgegeben von Ulrich Beck, Frankfurt am Main, Suhrkamp.
26. www.moi.ir
27. www.dw.de
28. www.radiofarda.com
29. www.wikipedia.org